



شهر، هویت شهری و شهرداری‌ها

از محله‌گرایی تا جهانی شدن

○ محمد کارکنان نصرآبادی
کارشناس پژوهشی دانشگاه کاشان

مقدمه:

قرار می‌گیرد و چهره شهر آینه چهره شهروندان می‌شود. با آغاز دوره سرمایه‌داری، شکل تولید و سبک زندگی این شهرنشینان تغییر کرده و تغییرات بافتی و تراکم به معنای امروزی آن پدید آمد. بر اثر این تغییرات محیطی، هویت ساکنان و شرایط روحی و روانی آنها نیز ناخواسته تغییر می‌کند و هویت جدیدی پدید می‌آید.

شهر مجموعه‌ای از عوامل زنده و پویاست که ژن هویت بخشی آن در طول زمان انتقال می‌یابد و عناصر و عوامل تشکیل دهنده محیط‌های آن اعم از ساختمان‌ها، گذرها و میادین و... مخلوق روح خلاق ساکنان آن است. شهر در طول زمان رشد می‌کند و در کنش متقابل با شهروندان



این راستا این سوال به ذهن می‌آید که آیا اگر بخواهیم به تقویت عوامل هویتی و مظاهر و تشخیص در شهرسازی و معماری کشورمان بپردازیم، اتکا صرف به ارزش‌های گذشته کافی است؟ یا اینکه باید عوامل دیگری را علاوه بر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی مد نظر قرار دهیم؟

امروزه هویت شهری، هم‌چون حلقه‌ای گم شده است و شهرها نه بر پایه هویت اصیل خود، بلکه بر پایه تقلیدهای بدون اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش است. در واقع دوران مدرنیزاسیون را می‌توان به عنوان سرآغاز گسست و کمرنگ شدن توجه به ابعاد هویتی شهرها و زندگی اجتماعی شهری در نظر گرفت. شیفتگی به مظاهر غیربومی باعث فراموشی مظاهر اصیل بومی شده است. در واقع فقدان آشنایی لازم و نیز فقدان اهمیت به ضرورت وجود الگوهای بومی از این دوره به بعد باعث شده تا در طرح‌های توسعه شهری واقعیات بسیاری به فراموشی سپرده شود. از دیگر سو، رواج روزافزون فرهنگ غربی به دلیل احاطه جامعه از سوی ابزارهای تکنولوژیک که باعث هجوم گسترده الگوها و فرهنگ ناآشنای غربی شده، سبب شده تا امروزه هویت و ابعاد هویتی از بیرون جسته شود (بازیابی هویت از بیرون). مجموعه این عوامل باعث شده تا در عصر پیش‌رو، خویش‌ن را گم کنیم؛ به سخن دیگر، خود را در دیگری جستجو کنیم. پس یک انفصال آشکار را بین معماری، فرهنگ، اندیشه و تاریخ به وجود آورده است که این نیز ناشی از همان گسست تاریخی دوران مدرن است.

در شهرهای ایرانی-اسلامی فرم به تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوی می‌گیرد و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر معماری ایرانی-اسلامی است که نسبت قالب و محتوی هم چون نسبت روح و کالبد در بنیادهای جهان‌بینی آن نیز آشکار است.

در هنر ایرانی-اسلامی صورت، تجسم معناست و نه مغایر با آن. سؤال این است که با توجه به توسعه و گسترش روزافزون نقاط شهری در ایران، در ساخت و توسعه شهری و رویکردهای حاکم، ساختار فضاهای شهری بر پایه کدامین محتوای فلسفی شکل می‌گیرند؟ و اصولاً در توسعه شهری به کدامین بنیان‌ها و ابعاد هویت توجه شده است؟ ابزارهای موجود و لازم برای شناخت هویت در شهرها کدامند؟ چگونه باید هویت شهری را جستجو کرد؟ جایگاه شهرهای ما در گذشته چگونه بوده است؟ اکنون جایگاه آنها کجاست؟ به عبارتی، از کجا به کجا رسیده‌ایم؟ و به کجا باید برسیم؟ و چه چشم‌اندازی را برای خود ترسیم کرده‌ایم؟ این مجموعه در راستای پاسخ‌گویی به این سؤالات تدوین شده است.

هویت یک معیار رشد است. به عبارتی دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی جدیدی می‌یابد. در این ساختار باید هویت شهری به عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند.

در این معنا و مفهوم محله، همیشه تداعی‌گر وجود زنجیره‌ای از خانواده‌ها با بسیاری از ویژگی‌ها و بازخوردها و ارزش‌های فرهنگی نسبتاً مشابه در حیطه جغرافیایی با بافت و محدوده مشخص است.

از نظر اجتماعی شهرها، مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری ارزش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند. بنابراین هویت در محیط‌های شهری به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عصر حاضر تبدیل شده است، تا جایی که امروز هرکس به طریقی خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه در چنگال نگرانی بی‌هویتی اسیر است. بی‌هویتی، ناهماهنگی و یکنواختی که امروزه بر فضای شهرها است و به صورت روزافزونی در حال گسترش است، نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامأنوس را برای ساکنین ایجاد کرده، بلکه تمامی ابعاد زندگی اجتماعی زیست محیطی را در جوامع شهری تحت‌الشعاع خود قرارداده است. زیرا فرم فیزیکی شهرها در حقیقت هسته جهان اجتماعی است که در تمامی ابعاد جامعه از اقتصاد گرفته تا زیبایی‌شناختی موثر است. تا وقتی که بحران هویت به عنوان موضوعی حل‌ناشدنی یا حداقل بسیار پیچیده فرض شود، رهایی از شرایط کنونی چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. یکی از دلایل این فرض آن است که تعریف مشخصی از هویت در دست نیست؛ و همین امر هویت‌بخشی را دشوار و حتی ناممکن جلوه می‌دهد.

در واقع مسأله هویت شهری یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین مباحث نظری در شهرسازی است. چگونه می‌توان آن را در شهرها و یا در عناصر معماری ایجاد و یا ارزیابی کرد؟ این سوالات اساسی است که بسیاری از محققان به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای آن هستند. در کشور ما که شاید یکی از غنی‌ترین سرزمین‌ها از نظر بهره‌مندی از میراث و دستاوردهای فرهنگی است و از نموده‌های آن شهرسازی و معماری ویژه و شناخته شده‌اش در سطح جهانی است؛ با توجه به این مطلب که زندگی امروز خود را چگونه می‌خواهیم؟ به فردا چگونه می‌اندیشیم؟ و از گذشته خود چگونه بهره برمی‌داریم؟ ساختن شهرها و تولید معماری از حساسیت خاصی برخوردار است، بنابراین نیازمندیم که هویت گذشته و امروزین این دو را باز شناسیم و آن را تعریف کنیم. در



شهرداری، ساختار سازمانی آن و اهم فعالیت شهرداران از ابتدا تاکنون کرده است.

شهرداری‌ها:

شهرداری به عنوان مهم‌ترین عنصر مدیریت شهری، از جایگاه خاصی در نظام سازمان‌های اداری کشور برخوردار است. شهرداری به لحاظ حقوقی و اداری، جزء مؤسسه‌های عمومی محسوب می‌شود. این سازمان‌ها یکی از ضروریات شهرهای شهری به حساب می‌آید که برای نیل و تحقق اهداف شهری و توسعه آن بسیار مهم است. بنابراین یکی از نهادهای مدنی است که در قانون اساسی در چارچوب حاکمیت در عرصه‌ای مختلف محلی، شهری و حتی جهانی محسوب می‌شود (رجب‌صلاحي، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

با این مفهوم شهرداری یک نهاد عمومی اما غیردولتی است که اقتدار و رسمیت آن ناشی از رأی مردم یا نمایندگان مردم است و در قلمرو وظایف خود بایستی دارای استقلال عمل باشد.

اما با این حال در ایران هیچ‌گاه شهرداری‌ها به طور کامل از این استقلال قانونی برخوردار نبوده و علاوه بر آن قوانین موجود (از جمله ماده ۵۳ قانون تشکیلات شورای اسلامی) موجب شده شهرداری‌ها به شدت تحت کنترل و نظارت وزارت کشور و سازمان‌ها و مقامات محلی تابع آن مانند استاندار و فرماندار باشند و وجود چنین روابط و دیدگاهی نسبت به شهرداری، اصلی‌ترین عامل در نقض اختیارات و مسوولیت‌های آن است.

شهرها بر اثر عوامل مختلف مذهبی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اداری به وجود آمده یا توسعه و گسترش یافته‌اند. شهر به عنوان یک پدیده انسانی، اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود که در بستر تاریخ در شرایط معینی متولد و در شرایط خاصی به زندگی خود ادامه می‌دهد، رشد می‌کند و تغییر می‌پذیرد. در پیدایش شهر مقدس مشهد، مذهب نقش اساسی داشته است و به دلیل افزایش جمعیت، حجم گسترده مهاجرت‌ها و به تبع آن افزایش میزان نیازمندی‌ها، تشکیل اداره و یا مجموعه‌های مشخص و منسجم که توان اداره شهر و ارائه خدمات شهری را داشته باشد، ضرورت می‌یابد. بر اساس این ضرورت و برای ساماندهی و بهبود شرایط شهر مشهد، اداره‌ای تحت عنوان اداره نظیف و روشنایی که مسوولیت تأمین روشنایی و رفت‌و‌رو شهر را برعهده داشت، تأسیس شد. گرچه تاریخ تشکیل این اداره به سال‌های قبل از ۱۳۰۰ شمسی بر می‌گردد اما وجود نداشتن سندی مکتوب و متقن از آن زمان موجب شده است تا آن برهه از دوران فعالیت بلدیة مشهد در حاله‌ای از ابهام فرو رود. اما با وجود این مسئله و با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، روابط عمومی شهرداری مشهد اقدام به گردآوری و تدوین مجموعه‌ای در خصوص تاریخچه تشکیل

جهانی‌شدن:

روند تحولات در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه‌ها نشان خود را برجای گذاشت. در دهه ۱۹۸۰ برای اشاره به این دگرگونی‌ها مفاهیمی چون جامعه صنعتی و فرامدرن (پست مدرن) به کار می‌رفت، اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفهوم جهانی‌شدن رایج گردید و به مفهوم مسلط در دوران معاصر تبدیل شد. به گونه‌ای که امروزه همه چیز با رجوع به این مفهوم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در ظاهر امر، جهانی‌شدن یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگرینسته می‌شود. اما در واقع، جهانی‌شدن به معنای آزادی مطلق کسب‌وکار، برداشته شدن تمامی موانع برای جریان یافتن سهل و آسان سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها و حرکت روان اطلاعات، امور مالی، خدمات و بالاخره تداخل فرهنگ‌ها آن هم به سوی یکسان‌شدگی و یکدستی است که تمامی این امور در مقیاسی جهانی رخ می‌دهد (ایران زاده، ۱۳۸۰: ۱۶).

رونالد رابرتسون جهانی‌شدن را هم فشرده شدن جهان و تبدیل آن به مکان واحد جهانی می‌داند. او جهانی‌شدن را یک فرایند کم‌وبیش مستقل معرفی می‌کند که منطق، جهت و نیروی محرک خود را دارد (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۲). بنابراین او در تعریف جهانی‌شدن بر عنصر آگاهی تأکید دارد و مطرح می‌کند که جهانی‌شدن معطوف به فشرده‌گی جهان و تشدید و افزایش آگاهی از آن است و جهانی‌شدن را شامل پنج مرحله ابتدایی، آغازین، فیزیکی، مبارزه برای کسب هژمونی و نبود قطعیت می‌داند.

جهانی‌شدن عبارت است از فرآیند فشرده‌گی زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴). مالکوم واترز^۱ در تعریف جهانی‌شدن می‌گوید: جهانی‌شدن فرآیندی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع سایه افکنده‌اند، از بین می‌رود و مردم به طور آگاهانه از کاهش این قید و بندها مطلع می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲).

امروزه حتی ساختارهای ذهنی جامعه متأثر از این روند شکل می‌گیرند. نوع نگرش به فضا نیز در نهایت تحت تأثیر این ساختارهای ذهنی قرار خواهند گرفت و در نهایت ساختارهای فضایی در داخل شهرها تحت تأثیر این فرایند شکل می‌گیرد. به عبارتی، برپایی ساختارهای نو تحت تأثیر هویت جهانی و بدون توجه به گذشته و واقعیات موجود است. در شهرسازی جدید انگارها و الگوهایش به گونه‌ای ماتقدم



شکل گرفته است، الگوهایی که برآند تا با اجبار خود را به واقعیت تحمیل کنند.

محله‌گرایی^۲:

رعایت نگاه محله‌گرایانه، این مهم را ثابت می‌کند که هر مرکز فرهنگی به نوعی مدیر وضعیت فرهنگی اطراف محله شهری خود است. پذیرفته نیست که در زندگی با همسایگی یک مرکز فرهنگی، ناهنجاری‌های بارز فرهنگی و اجتماعی، نمود یابد. محله‌گرایی دارای دو مؤلفه انس با محله و تعامل با نهادهای محلی است. انس با محله به معنای اعتمادسازی ورود به زندگی و روابط اجتماعی یک محله است. تعامل با نهادهای محلی به معنای مشارکت‌های مالی یا به دوش کشیدن وظایف سایر نهادها نیست. هر نهاد، کارکرد اجتماعی و فرهنگی و هنری خود را دارد و تعامل نهادهای محلی به معنی بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع مشترک برای مدیریت فرهنگی یک محله است. امروزه مرز تفکیک بین محلات را خیابان‌ها تشکیل می‌دهند، در صورتی که این نوع مرزبندی نه فقط در ریشه، بلکه در سنت محله‌بندی نیز وجود ندارد. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که موجودیت و استعداد بازنمایی (هویت اصیل) آن به شدت به مخاطره افتاده است و این تبیین و توصیفی از معنای بحران هویت است. هنگامی که صحبت از هویت‌بخشی به سیما و کالبد یک

شهر می‌کنیم و یا در پی شناخت ابعاد ساختاری هویت شهری هستیم، ابتدا باید عناصر سازنده و شکل دهنده آن را بشناسیم. برخی از محققان بر این باورند که پنج عامل سیمای بصری شهر را می‌سازند و وجوه هویتی شهر را نیز بر این اساس مورد مطالعه قرار می‌دهند:

- ۱- نقشه (نقشه نظام آرایش، اندازه، تراکم و پراکندگی فضایی پدیده‌های شهری)
- ۲- مظاهر معماری و ساختمانی شهر (شیوه‌های ساخت و ساز، مصالح، سبک معماری، مقیاس و ...)
- ۳- خصوصیات تحرکی شهر (تأثیر عامل زمان در مظاهر بصری شهر)
- ۴- فعالیت‌های شهری (انواع فعالیت‌هایی که در شهر رواج دارد)
- ۵- صدا و بو

به‌طور کلی در پاسخ به این سوال که رویکرد حاکم بر این پژوهش چگونه باید باشد، باید گفت، نخستین گام برای ورود به عرصه تجربه‌ای موفق در شهرسازی با هویت، کنکاشی در مفهوم هویت شهری و گام دوم، تبیین ابعاد مکانی-زمانی هویت یک شهر است.

منظور از بعد مکانی، ویژگی‌های محیطی - اکولوژیک (شامل اقلیم، آب‌وهوا، وضعیت توپوگرافیکی و منابع آب و خاک وغیره) و منظور از بعد زمان ویژگی‌های تاریخی از ابتدا تا زمان



پانوشت:

- 1-M.Vatrez
- 2- Localization

منابع:

- افلاکی؛ اسدالله؛ «معماری و شهرسازی در فضاهای شهری»؛ سایت همشهری آنلاین
- ایران زاده، سلیمان (۱۳۸۰)، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- برزگر، محمدرضا؛ بازشناسی هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی، جلد اول، ساخت کالبدی شهر، ۱۳۸۳
- رجب صلاحی، حسین (۱۳۸۱)، ساختار حکومت محلی، مدیریت شهری و شهرداری، برنامه ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالش‌های تجربی، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
- رونالد، رابرتسون (۱۳۸۲) - جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی جهانی) - ترجمه کمال پولادی - تهران - نشر ثالث
- زمانی، احسان؛ «هویت شهری، حلقه‌های گمشده»؛ سایت همشهری آنلاین
- فرجامی، محمدرضا؛ ابعاد هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی، جلد اول، ساخت کالبدی شهر، ۱۳۸۳
- گل محمدی، احمد؛ جهانی شدن، فرهنگ، هویت؛ تهران، نشر نی، ۱۳۸۳
- مهاجر، آذر؛ فضای معنوی زندگی انسان‌ها؛ سایت همشهری آنلاین
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- یاری، ارسطو؛ نقش پذیری روستا-شهری با تأکید بر تحولات ساختاری-عملکردی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، ۱۳۸۵

حال در مقیاس اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی است. گام‌های بعدی شاید شناخت نیازهای کنونی هویتی شهر و تلفیق ارزش‌های هویتی گذشته با نیازهای هویتی کنونی است، تا آنچه را که می‌توانیم از گذشته اقتباس کنیم و آنچه را که در گذشته نمی‌یابیم در آینده خود آن را تولید کنیم.

اصولاً با توجه به چندوجهی بودن ابعاد هویتی شهر، اخذ یک رویکرد سیستمی و همه‌جانبه‌نگر که در آن تمام ابعاد باهم مورد توجه قرار داده شود، لازم و ضروریست؛ تا از این رهگذر عناصر سازنده شهری (محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) مشخص و جایگاه آن در شهر و جامعه و نحوه ارتباط آن با مردم در پدیده‌های شهر شناسایی شوند.

مجموعه در جستجوی هویت شهری با اخذ این رویکرد سعی بر این دارد تا مسئله هویت شهری را از زوایای مختلف مورد کاوش قرار داده و ضمن شناسایی کامل عناصر هویتی سازنده فضاهای شهری به‌طور کامل، ابعاد هویتی شهر را از زوایای محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی در بستر مکان-زمان بررسی کند. در ادامه این رویکرد و نحوه نگرش و بازشناسی هویت شهری در این مجموعه بیشتر مورد کنکاش‌های کارشناسانه قرار داده می‌شود.

با توجه به آنچه که گفته شد، بررسی و شناخت ابعاد هویتی شهر میسر نیست مگر با مطالعات گسترده (در ابعاد گذشته‌نگری، اکنون‌نگری و آینده‌نگری). از طرفی برخلاف تصور برخی از محققان و کارشناسان که صرفاً توجه خود را بر ابعاد کالبدی شهرها متمرکز می‌کنند، هویت را باید در تمامی اجزای شهری جستجو کرد. به عبارتی، هر جز از عناصر سازنده فضای شهری و هر ساختار فضایی موجود در شهر دارای یک هویت منحصر به فرد است که در تعامل و ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با شهر و سایر اجزای شهری است. عناصر سازنده فضای شهری که خود مولد نگرش خاص در مقاطع زمانی و برخاسته از اندیشه و سطح فرهنگ جامعه بوده، مستلزم یک کاوش و بررسی جزء به جزء است.

به‌طور کلی چهار بعد اساسی نمایانگر نمای کلی شهر و نیز نمایانگر هویت شهری است:

- بعد اول: هویت محیطی - اکولوژیک
- بعد دوم: هویت اجتماعی - فرهنگی
- بعد سوم: هویت اقتصادی
- بعد چهارم: هویت کالبدی - فضایی

نتیجه‌گیری:

تغییر در دیدگاه‌ها برای بازگشت هویت گمشده شهرهای امروزی، اساسی و لازم‌الاجرا است. متأسفانه فارغ‌التحصیلان و صاحبان علم نیز در رشته‌های شهرسازی با وجود جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی، به شهر

و شهروندمداری توجهی نکرده‌اند. آیا تکنیک به جز در محیط فرهنگی با جمعی از گروه‌های مردمی و اجتماعی به کار دیگری می‌آید؟ چرا در بلاد اروپایی، محلاتی خاص پدید آمده که هر ملیتی در محله خاص خود سکنی می‌گیرد و با تعاملات سرزمین خود فرهنگ و هنر خود را دنبال می‌کند. اگر محورها و مؤلفه‌های اساسی، برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی را با ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان اصلی محله همخوان کند، تکوین بازخوردها و نگرش‌های مثبت و حداکثر حمایت در اهداف مشارکتی، از اولی‌ترین نتایج آن به دست می‌آید. تعامل با نهادهای محلی یا نهادهایی که برای محله فعالیت می‌کنند از مواردی است که حفظ و جهت‌دهی آن برای توسعه محله، ارتقاء تعاملات فرهنگی - هنری و ایجاد وحدت، بایستی مورد توجه متولیان باشد.

بنابراین می‌توان راهکارهای زیر را برای شهرداری‌ها به منظور تحقق اهداف توسعه شهری و حفظ هویت شهر متصور شد:

- برنامه‌ریزی جامع و مهندسی فرهنگی، اجتماعی برای تقویت حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرها و نیز در سطح کشور به ویژه با تأکیدات مقام معظم رهبری.
- توجه به ساماندهی و سازماندهی مشارکت اجتماعی مردم به ویژه شورایی‌ها و سازمان‌های مردم نهاد.
- تقویت ارتباط و تعامل حوزه فرهنگی، اجتماعی شهرداری‌ها و شوراهای مدیریت کلان فرهنگی و اجتماعی و دستگاه‌های مسوول.
- کمک به ساماندهی، بهسازی، نوسازی، نگهداری و بهره‌برداری از فضاها، بناها و آثار تاریخی و فرهنگی و مذهبی شهرها.
- تقویت و احیاء هویت شهرها.
- توجه به امر پژوهش، بهسازی، آموزش و نظارت ارزیابانه در حوزه فرهنگی، اجتماعی.
- برنامه ریزی برای افزایش نشاط، امید و اعتماد و همبستگی و تلاش اجتماعی برای تلطیف فضای شهرها.
- افزایش و توسعه مراکز و فضاهای فرهنگی، اجتماعی و ورزشی.

- توجه به سلامت و بهداشت و مسائل زیست شهری.
- کمک به ارتقاء سطح فرهنگ عمومی.
- تأکید بر تحقق حقوق و وظایف و گسترش فرهنگ شهروندی.
- اهمیت رویکرد محله محوری در سیاستگذاری‌های فرهنگی و اجتماعی.
- توجه به معماری و شهرسازی ایرانی و مسائل زیبایی‌شناختی شهر.

توجه به مسئله کارآفرینی از طریق ایجاد پایگاه‌ها و کارگاه‌های کارآفرینی.

در نهایت داشتن فکر جهانی و عمل کردن در سطح محله‌ای مهم‌ترین راهکار مدیریت شهری است.